

مقایسه تأثیر رفتار جامعه‌یار مربوط و نامربوط به موقعیت بر خلق در

دانشجویان دانشگاه‌های تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۰۱

محمد عرفان معماریان^{*۱}

جلیل فتح‌آبادی^۲

امید شکری^۳

چکیده

مقدمه: مطالعات نشان داده‌اند رفتار جامعه‌یار خلق را بهبود می‌بخشد. این مطالعات غالباً بهبود خلق را تنها در موقعیت مشخصی که همدلی را برانگیخته بررسی کرده‌اند؛ در حالی که الزاماً رفتار جامعه‌یار در همان موقعیتی که همدلی برانگیخته شده انجام نمی‌گیرد. بنابراین این پژوهش با هدف مقایسه تأثیر رفتار جامعه‌یار بر خلق، بین موقعیتی که همدلی را برانگیخته و موقعیتی نامربوط صورت پذیرفت.

روش: طرح آزمایشی حاضر با مشارکت ۶۰ دانشجوی دانشگاه‌های تهران انجام شد. پس از برانگیختن همدلی و سنجش اولیه خلق، یک گروه مشغول انجام رفتارهای جامعه‌یار مربوط به موقعیت شده، و دو گروه دیگر رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت یا رفتاری خنثی را انجام دادند. سپس خلق مشارکت‌کنندگان مجدداً ارزیابی شد.

یافته‌ها: پس از کنترل نمرات پیش-آزمون، اثر رفتار جامعه‌یار بر خلق در زیرمقیاس عاطفه منفی ($P = 0/47$) معنادار نبود، اما این اثر در زیرمقیاس عاطفه مثبت معنادار بود ($P = 0/11$). در مقایسه‌های زوجی، افزایش عاطفه مثبت بر اثر رفتار جامعه‌یار نامربوط، از رفتار خنثی بیشتر بود ($P = 0/09$).

نتیجه‌گیری: عدم تغییر عاطفه منفی می‌تواند به وسیله کاهش برآورد فرد از اثربخشی رفتار جامعه‌یار خویش، ادراک تغییرناپذیری وضعیت نیازمندان، و دیدگاه‌گیری دوگانه تبیین شود. عدم وجود تفاوت بین دو گروه رفتار جامعه‌یار مربوط و خنثی، و تفاوت بین دو گروه رفتار جامعه‌یار نامربوط و خنثی، می‌تواند به پیش‌بینی عدم موفقیت کمک‌رسانی مرتبط باشد. این مشاهده می‌تواند حاکی از آن باشد که بهبود خلق ناشی از رفتار جامعه‌یار، بیش از آنکه به بهبود وضعیت نیازمندان موضوع همدلی مرتبط باشد، به تخمین موفقیت رفتار جامعه‌یار در کمک به هر نیازمندی مرتبط است.

کلمات کلیدی: رفتار جامعه‌یار، خلق، رفتار نوع‌دوستانه، همدلی

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: m.memarian@mail.sbu.ac.ir

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Comparing effects of situationally relevant and irrelevant prosocial behavior on mood in students of Tehran universities

Mohammad Erfan Memarian^{1*}
Jalil Fathabadi²
Omid Shokri³

Abstract

Introduction: Past studies indicate that prosocial behavior enhances mood. Most of these studies have only investigated mood enhancement in the specific situation that has triggered empathy; while prosocial behavior does not necessarily take place in the same situation. The goal of this study is to investigate the enhancement effect of prosocial behavior on mood between empathy-triggering situation and an unrelated situation.

Method: 60 students studying in universities of Tehran participated in this experiment. After inducing empathy & primary mood measurement, the first group conducted a situationally relevant prosocial behavior, the second group conducted a situationally irrelevant prosocial behavior, & the third group participated in a control task. Afterward, the mood of participants was measured again.

Results: After controlling for pre-test scores, prosocial behavior did not have a significant effect on negative affect ($P = 0/47$); but had a significant effect on positive affect ($P = 0/011$). Pairwise comparisons revealed that situationally irrelevant prosocial behavior enhanced positive affect more than the control task ($P=0/009$).

Conclusion: Lower estimation of prosocial behavior's success, uncertainty about improvement of the receiver's situation, and dual perspective taking may contribute to stability of negative affect. The lack of significant difference between related prosocial behavior and control groups, and the difference between unrelated prosocial behavior and control group, can be understood by predictions of how unsuccessful prosocial behaviors are to be. This suggests that mood enhancement due to prosocial behavior is more about success of prosocial behavior rather than improving welfare of empathy subjects.

Keywords: Prosocial behavior, mood, Altruistic behavior, empathy

1. MSc in Clinical psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

* Corresponding author: m.memarian@mail.sbu.ac.ir

2. Associate professor, Department of psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Assistant professor, Department of psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

مقدمه

رفتارهای جامعه‌یار به‌عنوان رفتارهایی که بخش قابل توجهی از جامعه آن را سودرسان به دیگری تلقی می‌کنند تعریف شده‌اند (پنر، دوویدو، پیلیاوین و شرودر^۱، ۲۰۰۴). در ابتدا غالب مطالعات حوزه رفتار جامعه‌یار، ارتباط شخصیت و این‌گونه رفتارها را بررسی می‌نمودند. یافته‌های این حوزه، از ارتباط عامل شخصیتی توافق^۲ با رفتارهای جامعه‌یار خبر دادند. بررسی ارتباط شخصیت و رفتار جامعه‌یار در پژوهش‌های متعددی از جمله پژوهش‌های داخلی نیز انجام شده، و عوامل توافق و برون‌گرایی^۳ به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های شخصیت جامعه‌یار شناخته شدند (صفاری‌نیا، آقاییوسفی و ایمانی‌فر، ۱۳۹۵). در مقابل به نظر می‌رسد عامل روان‌رنجورخوبی^۴ با انجام رفتارهای جامعه‌یار در زنان رابطه‌ای معکوس دارد (آقاییوسفی، مصطفائی، زارع و ایمانی‌فر، ۱۳۹۴). مطالعات تحولی نیز، نقش همدلی و تحول وجدان در پدیدایی و افزایش رفتارهای جامعه‌یار را شفاف‌تر ساختند. والدینی که روابط سالم‌تری با فرزندانشان دارند؛ از روش‌های استدلال‌محور برای تربیت فرزندانشان استفاده می‌کنند؛ و هدایت‌گری هیجانی بیشتری در قبال فرزندان خود دارند؛ رفتارهای جامعه‌یار را بیش از سایرین در فرزندان خود پرورش می‌دهند (روتبارت^۵، ۲۰۰۷؛ هافمن^۶، ۲۰۰۰؛ ملایری و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶).

اما مطالعات این حوزه به عوامل شخصیتی و تحولی محدود نشد، و توجه به انگیزه کمک-رسانی به دیگری، نقش وضعیت خلقی فرد کمک‌رسان در انجام رفتارهای جامعه‌یار را پررنگ ساخت (شرودر و گراتزیانو^۷، ۲۰۱۵). در میان فرضیات انگیزشی، فرضیات خودمحور همچون تسکین وضعیت منفی^۸ و انگیزتگی بر اساس هزینه و پاداش^۹، بهبود وضعیت خلقی خویش، و کاهش انگیزتگی مشاهده‌گر را انگیزه اصلی انجام رفتار جامعه‌یار در نظر می‌گیرند (کنریک، نویبرگ و چالدینی^{۱۰}، ۲۰۰۵). این دسته از فرضیات به دلیل تأکید بر نفع شخصی فرد کمک‌رسان، به‌عنوان فرضیات خودمحور^{۱۱} شناخته می‌شوند. بنا بر فرضیه‌های خودمحور، اگر بیشترین میزان بهبود خلق و کمترین هزینه با ترک موقعیت کمک‌رسانی اولیه، و انجام رفتار جامعه‌یار در موقعیت ثانویه حاصل شود؛ فرد مشاهده‌گر می‌تواند موقعیت اولیه را ترک نموده و رفتار جامعه‌یار را در موقعیت ثانویه انجام دهد (کنریک، نویبرگ و چالدینی، ۲۰۰۵). بنابراین در

1. Penner, Dovidio, Piliavin
2. Agreeableness
3. Extraversion
4. Neuroticism
5. Rothbart
6. Hoffman
7. Schroeder & Graziano
8. Negative state relief
9. Arousal cost-reward
10. Kenrick, Neuberg & Cialdini
11. Egoistic

فرضیات خودمحور، تغییر موقعیت کمک‌رسانی، و انجام رفتار جامعه‌یار در موقعیت نامربوط به موضوع انگیزتگی^۱ اولیه، محتمل و ممکن است.

در نقطه مقابل، فرضیه نوع‌دوستی مبتنی بر همدلی^۲، تلاش برای بهبود وضعیت فرد نیازمند را انگیزه اصلی فرد کمک‌رسان می‌داند (باتسون، احمد و استوکس^۳، ۲۰۱۱)، هرچند بهبود خلق اثر انجام رفتار جامعه‌یار را همچنان ممکن و محتمل می‌شمرد (باتسون، ۲۰۱۱). نوع‌دوستی مبتنی بر همدلی، ایجاد دغدغه همدلانه در مشاهده‌گر را زمینه‌ساز تلاش وی برای بهبود وضعیت فرد نیازمند می‌داند. بنا بر این فرضیه، در صورت موفقیت رفتار جامعه‌یار امکان بهبود خلق انجام‌دهنده رفتار قابل تصور است (باتسون، ۲۰۱۱). علاوه بر فرضیات مذکور، پژوهش‌های متعدد دیگری نیز بهبود خلق بر اثر انجام رفتارهای جامعه‌یار را تأیید کرده‌اند (گلمب، بیهاو، ماینر و وال^۴، ۲۰۱۱؛ آکنین، وند فندرفورت و هملین^۵، ۲۰۱۷).

با توجه به فرضیه نوع‌دوستی مبتنی بر همدلی، باتسون (۲۰۱۱) رفتارهای جامعه‌یاری که همدلی انگیزاننده‌ی اصلی آن‌هاست را رفتار نوع‌دوستانه^۶ می‌نامد. این در حالی است که اگر انگیزه رفتار انتفاع شخصی از قبیل بهبود خلق و یا کاهش انگیزتگی باشد، چنین رفتاری به عنوان رفتار جامعه‌یار شناخته می‌شود. تأثیر مداخلات مبتنی بر همدلی در افزایش رفتارهای جامعه‌یار نیز از نقش پررنگ همدلی در رفتارهای جامعه‌یار خبر می‌دهد (نظام و رضایی، ۱۳۹۷). با این وجود، فرضیه‌پردازان مدل‌های خودمحور چنین تفکیکی را به رسمیت نمی‌شناسند، و انگیزه غالب تمام رفتارهای جامعه‌یار را خودمحورانه می‌دانند (کنریک و همکاران، ۲۰۰۵).

تجربه همدلی همیشه آسان نیست و می‌تواند با هزینه‌هایی همراه باشد. همدلی می‌تواند با مشاهده‌ی رنج کشیدن دیگری همراه بوده، هیجانات ناخوشایندی القا کرده، و حتی منجر به فرسودگی هیجانی مشاهده‌گر شود (هاجز و بیس‌واس‌دینر^۷، ۲۰۰۷؛ کامرون، هریس و پین^۸، ۲۰۱۵). همدلی می‌تواند از لحاظ شناختی نیز دشوار باشد، تا حدی که افراد بعضاً اجتناب از آن را ترجیح می‌دهند (کامرون و همکاران، ۲۰۱۷). یکی از راهبردهایی که اجتناب از همدلی را محقق می‌سازد، انتخاب موقعیت^۹ است (زکی^{۱۰}، ۲۰۱۴). مشاهده‌گران می‌توانند پیش از درگیر شدن در موقعیت همدلی، نشانه‌ها را نظاره کرده، و در صورتیکه همدلی با تحمل هزینه‌های مادی و یا رنج همراه باشد، موقعیت را تغییر دهند. در صورتی که انگیزه‌های خودمحورانه مانند بهبود خلق،

1. Arousal
2. Empathy-Altruism
3. Batson, Ahmad & Stocks
4. Glomb, Bhawe, Miner & Wall
5. Akinin, Van de Vondervoort & Hamlin
6. Altruistic behavior
7. Hodges & Biswas-diener
8. Cameron, Harris & Payne
9. Situation selection
10. Zaki

فرد را به انجام رفتار جامعه‌یاری سوق ندهند، همدلی عامل انگیزشی اصلی انجام رفتارهای جامعه‌یاری خواهد بود (باتسون، لیشرن^۱ و استوکس، ۲۰۱۴). بنابراین، هنگامی که مشاهده‌کننده‌ای موقعیت کمک‌رسانی را نظاره کرده و نشانه‌های همدلی را بررسی می‌کند، می‌تواند با استفاده از راهبرد انتخاب موقعیت، از موقعیت کمک‌رسانی مذکور اجتناب کرده یا آن را تغییر دهد. زکی (۲۰۱۴) استفاده از راهبرد انتخاب موقعیت را غالباً پیش از مشارکت در موقعیت در نظر می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد تغییر موقعیت پس از تجربه‌ی اولیه‌ی همدلی و آغاز مشارکت نیز ممکن است (هاجز و کلاین^۲، ۲۰۰۱).

با این وجود مطالعات پیشین غالباً ترک موقعیت کمک‌رسانی یا به اصطلاح فرار فیزیکی را به عنوان تنها مصداق تغییر موقعیت رفتار جامعه‌یاری بررسی کرده‌اند (باتسون، ۲۰۱۱؛ استوکس، لیشرن و دکر^۳، ۲۰۰۹). در واقع تغییر موقعیت توسط مشاهده‌گر، و مشارکت او در رفتار جامعه‌یاری ثانویه که به موقعیت اولیه‌ی برانگیزاننده‌ی همدلی نامربوط است، بررسی نشده است. پس از مشاهده فرد نیازمند، با تغییر موقعیت و انجام رفتار جامعه‌یاری در موقعیتی ثانویه، وضعیت فرد نیازمند در موقعیت اصلی تغییری نمی‌کند. با توجه به آنکه مشاهده‌گر موقتاً به بهبود وضعیت فرد نیازمند در موقعیت اولیه‌ی مشاهده‌شده است؛ انتظار می‌رود تأثیر رفتار جامعه‌یاری بر خلق هنگام تغییر موقعیت کمک‌رسانی متفاوت باشد (باتسون و ویکس^۴، ۱۹۹۶).

مقایسه‌ی تأثیر رفتار جامعه‌یاری مربوط و نامربوط به موقعیت برانگیزاننده‌ی همدلی بر خلق، می‌تواند گامی برای پر کردن خلاء پژوهشی مذکور باشد. به همین منظور، مطالعه‌ی حاضر، تأثیر رفتار جامعه‌یاری بر خلق را در موقعیت برانگیزاننده‌ی همدلی بررسی کرده؛ و فراتر از آن انجام رفتار جامعه‌یاری نامربوط به موقعیت اصلی همدلی را نیز بررسی می‌کند. از آنجا که تجربه‌ی همدلانه در انجام رفتار جامعه‌یاری مربوط و نامربوط به موقعیت یکسان است؛ امکان مقایسه‌ی تأثیر رفتار بر خلق در این دو حالت فراهم گشته؛ و بهبود خلق در چارچوب ارتباط رفتار جامعه‌یاری با موضوع همدلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش

طرح پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از یک طرح آزمایشی از نوع پیش-آزمون و پس-آزمون با گروه کنترل انجام شد. این طرح آزمایشی متشکل از دو گروه آزمایشی و یک گروه کنترل بوده و اختصاص مشارکت‌کنندگان به هر سه گروه به صورت کاملاً تصادفی انجام شد. طرح آزمایش مطابق شکل

1. Lishner
2. Klein
3. Decker
4. Weeks

۱ تدوین شد. همچنین کلیه اطلاعات مربوط به بخش روش در پیوست ۱ بارگزاری شده است. (شکل ۱)

پس‌آزمون	مداخله	پیش‌آزمون	آماده‌سازی	گروه
سنجش خلق	رفتار جامعه‌یار مربوط به موضوع همدلی (بسته‌بندی نوشت‌افزار برای کودکان زلزله‌زده)	سنجش خلق	ارائه محرک برانگیزاننده همدلی (فیلم کودکان زلزله‌زده)	آزمایش ۱ (رفتار مربوط به موقعیت همدلی)
سنجش خلق	رفتار جامعه‌یار نامربوط به موضوع همدلی (بسته‌بندی نوشت‌افزار برای کودکان نیازمند جاده ورامین)	سنجش خلق	ارائه محرک برانگیزاننده همدلی (فیلم کودکان زلزله‌زده)	آزمایش ۲ (رفتار نامربوط به موقعیت همدلی)
سنجش خلق	فتالیت خنثی (جمله‌سازی)	سنجش خلق	ارائه محرک برانگیزاننده همدلی (فیلم کودکان زلزله‌زده)	گروه کنترل (فتالیت خنثی)

شکل ۱. طرح آزمایش

جامعه آماری و نمونه

نمونه پژوهش حاضر از ۶۰ نفر از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های شهر تهران تشکیل شد. برای نمونه‌گیری از روش در دسترس استفاده شد. حجم نمونه ۶۰ نفر (هر گروه ۲۰ مشارکت‌کننده) بود. در مجموع ۷۴ نفر وارد آزمایش شده و ۶۰ مورد با موفقیت انجام شد. علت حذف ۱۴ مشارکت‌کننده احراز ملاک‌های خروج، عبور از محدوده زمانی بسته‌بندی، و یا اختلال در فرآیند اجرایی آزمایش بود.

یافته‌های پیشین نشان می‌دهد تمایلات و نگرش افراد در زمینه‌ی رفتارهای جامعه‌یار، متناسب با دوره‌ی تحولی آن‌ها تغییر می‌کند (ماتسوموتو، یاماگیشی، لی و کیوناری^۱، ۲۰۱۶؛ آیزنبرگ، کامبرلند، گاتری، مورفی و شپارد^۲، ۲۰۰۵) و افزایش سطح تحصیلات، با افزایش انجام رفتارهای جامعه‌یار مرتبط است (بکرز و ویپکینگ^۳، ۲۰۱۱). متغیرهای مذکور با گزینش نمونه‌ای که دارای حداقل ناهمگونی در زمینه سن ($M=20, SD= 2.41$) و تحصیلات است کنترل گردید. با توجه به تفاوت سطوح همدلی در زنان و مردان، (کریستوف‌مور^۴ و همکاران، ۲۰۱۴)، جنسیت نیز با انتساب تعداد برابر زن و مرد به هر گروه کنترل شد.

افرادی که حین زلزله کرمانشاه یا در روزهای نخستین آن در آن مکان حضور داشتند، و همچنین مشارکت‌کنندگان متعلق به قومیت کرد یا ساکن کرمانشاه، به دلیل احتمال تجربه

1. Matsumoto, Yamagishi, Li & Kiyonari
2. Eisenberg, Cumberland, Guthrie, Murphy & Shepard
3. Bekkers & Wiepking
4. Christov-Moore

تروماتیک یا سطوح متفاوت همدلی (اشترومر و اسنایدر^۱، ۲۰۱۰) از آزمایش خارج شدند. همچنین افراد مبتلا به نشانگان بالینی افسردگی بر اساس سیاهه افسردگی بک، به دلیل احتمال تفاوت در خلق غالب و تنظیم هیجان، وارد آزمایش نشدند.

ابزار سنجش

مقیاس عاطفه‌ی مثبت و منفی (PANAS):

ابزار خود گزارش‌دهی خلق بوده و دارای دو بعد عاطفه‌ی مثبت و منفی می‌باشد. در نسخه اولیه آلفای کرونباخ برای عاطفه‌ی مثبت ۰/۸۸ و برای عاطفه‌ی منفی ۰/۸۷ گزارش شده است (واتسون، کلارک و تلگن^۲، ۱۹۸۸). همچنین داده‌های روان‌سنجی امکان استفاده از این ابزار برای سنجش صفتی و وضعیتی خلق را تأیید می‌کنند. هر زیر مقیاس شامل ۱۰ گویه بوده و با طیف پنج درجه‌ای لیکرت عاطفه‌ی مثبت و منفی را می‌سنجد (۱= به هیچ وجه، ۵= بسیار زیاد). همچنین دامنه‌ی نمرات در هر خرده مقیاس بین ۱۰ تا ۵۰ است، و کدگذاری پاسخ‌ها به صورت مستقیم از یک (اصلاً) تا پنج (بسیار زیاد) صورت گرفت. در پژوهش حاضر ضرایب آلفا برای سنجش لحظه‌ای خلق برای عاطفه‌ی مثبت به ترتیب مقطع سنجش ۰/۸۱ و ۰/۹۴، و برای عاطفه‌ی منفی ۰/۸۴ و ۰/۸۹ بود.

در تحلیل عاملی تأییدی این مقیاس توسط بخشی‌پور و دژکام (۱۳۸۴) بر روی ۲۵۵ دانشجوی مبتلا به اختلالات اضطرابی و افسردگی در دانشگاه تهران، ساختار دو عاملی آن تأیید شده و برآورد اعتبار عاطفه‌ی مثبت ۰/۸۷ و عاطفه‌ی منفی ۰/۸۵ می‌باشد.

سیاهه افسردگی بک (فرم کوتاه)

در ابتدای این آزمایش از این فرم برای ارزیابی وضعیت افسردگی مشارکت‌کنندگان استفاده شد، و افرادی که نمره ۱۲ یا بالاتر (نقطه برش افسردگی متوسط) را کسب نمودند از آزمایش خارج شدند (رجبی، ۱۳۸۴). این فرم شامل ۱۳ آیتم بوده و حداکثر امتیاز ۳۹ (افسردگی شدید) و حداقل آن ۰ است. همسانی درونی و اعتبار ماده‌های این فرم در ۱۹۴ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز بررسی شده و ضریب آلفای کرونباخ و دونیمه کردن برای کل سیاهه ۰/۸۹ و ۰/۸۲ گزارش شده است (رجبی، ۱۳۸۴).

1. Stürmer & Snyder
2. Watson, Clark & Tellegen

فیلم القاکننده همدلی و عاطفه منفی

در ابتدای آزمایش، برای القای همدلی و جلوگیری از اثر سقف، فیلمی شامل تصاویری از وضعیت کودکان زلزله‌زده کرمانشاه و سخنان آن‌ها به مشارکت‌کنندگان ارائه شد. این فیلم نقش موقعیت اصلی برانگیزاننده‌ی همدلی را بازی کرد. در مرحله ارائه متغیر مستقل، رفتار جامعه‌یار مربوط به موقعیت نیز به صورت کمک به کودکان زلزله‌زده کرمانشاه طراحی و اجرا شد. محتوا و موقعیت فیلم، موضوعی همگانی و ملّی بوده و از آنجا موضوع اصلی فیلم کودکان هستند، احتمال اسناد شرایط وخیم به بی‌مسئولیتی بازماندگان (زکی، ۲۰۱۴) کمتر برآورد می‌شود. برای تهیه فیلم از آرشیو صدا و سیما و یکی از فیلم‌های مؤسسه مهرآفرین با کسب اجازه مکتوب استفاده شد. با هدف بررسی روایی صوری، ۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران فیلم را مشاهده کرده و میانگین القای هیجانات مختلف توسط فیلم شامل غم ($M=7/9$, $SD= 1/3$)، شادی ($M=0$, $SD=0$)، خشم ($M=4/2$, $SD= 1/1$)، ترس ($M=3/3$, $SD= 1/3$)، و همدلی ($M=7/8$, $SD=1 1/3$)، در طیف ۱۰ نمره‌ای استخراج شد. میانگین‌های مذکور حاکی از توفیق فیلم در القای همدلی و عاطفه منفی بود.

روش اجرا

پس از کسب رضایت آگاهانه، غربالگری و بررسی ملاک‌های ورود و خروج انجام شده و مشارکت‌کنندگان به صورت تصادفی در گروه‌های سه‌گانه جای‌گذاری شدند. بعد از ورود به آزمایشگاه دانشکده روان‌شناسی شهید بهشتی، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد فیلم آماده پخش را در رایانه تماشا کنند (فیلم در بخش ابزار معرفی شد). پس از مشاهده فیلم، مقیاس سنجش خلق به مشارکت‌کنندگان ارائه شده و از آن‌ها خواسته شد فرم را با توجه به حال خود در لحظه کنونی علامت بزنند. فرآیند آزمایش تا این قسمت برای مشارکت‌کنندگان هر سه گروه مشابه طی شد.

سپس سطوح متغیر مستقل به گروه‌های آزمایشی ارائه شد. به هر مشارکت‌کننده گروه آزمایشی اول (رفتار جامعه‌یار مربوط به موقعیت) اعلام شد مبلغی که مرسوم است به‌عنوان پاداش مشارکت به مشارکت‌کنندگان ارائه شود، صرف تهیه نوشت‌افزار برای کودکان شده است؛ و از او نیز خواسته شد پیش از ادامه پژوهش یک بسته برای ارسال به کودکان زلزله‌زده (موضوع مرتبط با موقعیت همدلی) بسته‌بندی کرده و جمله‌ای کوتاه خطاب به کودکان را نیز روی فیش نوشته و بر روی آن بچسباند.

به گروه آزمایشی دوم سطح متفاوتی از متغیر مستقل، یعنی رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت همدلی ارائه شد. به این گروه نیز توضیح مشابه گروه مربوط به موقعیت ارائه می‌شد، با این تفاوت که هدف بسته‌های خیریه نوشت‌افزار، کودکان نیازمند جاده ورامین عنوان می‌شد، و از

هر مشارکت‌کننده درخواست می‌شد یک بسته برای ارسال به این کودکان تهیه نماید. برای کنترل اثر آشنایی با مکان در مقایسه با گروه مربوط به موقعیت، مشارکت‌کنندگان این گروه نقشه‌ای از مختصات جغرافیایی کودکان نیازمند جاده ورامین رویت نمودند. در مرحله ارائه متغیر مستقل، گروه کنترل باید مشغول فعالیتی می‌شد که تأثیرات خلقی آن به حداقل میزان ممکن باشد. بنابراین ساختن جمله‌هایی معنادار با استفاده از کلمات ارائه شده، به علت ماهیت شناختی، زمان مشخص، و عدم وجود رقابت، توسط گروه کنترل انجام شد. با توجه به میانگین زمان بسته‌بندی مشارکت‌کنندگان در مرحله پایلوت، حداکثر زمان انجام فعالیت برای هر سه گروه ۵ دقیقه در نظر گرفته شده و عبور از آن با خروج از آزمایش همراه بود. پس از اتمام فعالیت‌های مذکور، مشارکت‌کنندگان مجدداً فرم سنجش خلق را با توجه به وضعیت خلقی خود در همان لحظه پر کردند. با توجه به یکسان بودن زمان انجام فعالیت‌ها توسط هر سه گروه، و عدم وجود فاصله زمانی متفاوت، تأثیر فیلم اولیه در هر سه گروه یکسان بوده و بررسی تغییرات بین گروه‌ها در اثر عوامل آزمایشی میسر شد. در نهایت با هدف رعایت اخلاق حرفه‌ای پژوهش ضمن تشکر از مشارکت‌کنندگان، اهداف مطالعه توضیح داده شده و ابهامات موجود پاسخ داده شد.

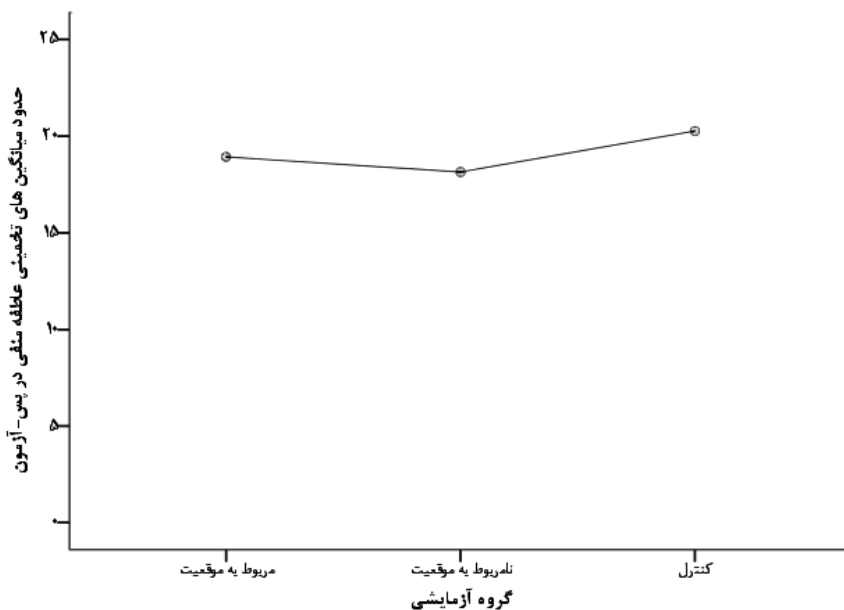
یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی متغیرهای عاطفه‌ی مثبت و منفی، بر اساس مقاطع سنجش و گروه‌ها در جدول ۱ ذکر شده است. با توجه به آنکه خلق شامل دو متغیر عاطفه‌ی مثبت و منفی است، برای بررسی تفاوت‌های ایجاد شده در خلق بر اثر رفتارهای جامعه‌یار، دو تحلیل کوواریانس^۱ یک-راهه انجام شد. در هر تحلیل، نمرهٔ پیش-آزمون متغیر مورد نظر به عنوان متغیر همگام^۲ در نظر گرفته شد. ابتدا پیش‌فرض‌های آماری بررسی شده و تعامل عامل بین‌گروهی و متغیر همگام یعنی نمرات پیش-آزمون عاطفه مثبت ($F(1, 54) = 0.723, P = 0/5$)، و تعامل عامل بین‌گروهی و متغیر همگام یعنی نمرات پیش-آزمون عاطفه منفی ($F(1, 54) = 0/43, P = 0/65$) معنادار نبود. پس از تأیید همگنی شیب رگرسیون متغیر وابسته و همگام در سطوح مختلف متغیر مستقل، نمودارهای نقطه‌ای پراکنده‌ی نیز وجود رابطه‌ی خطی میان نمرات پیش-آزمون و پس-آزمون را در هر یک از متغیرهای عاطفه مثبت و منفی نمایان ساختند. (جدول ۱)

1. Analysis of covariance
2. Covariate

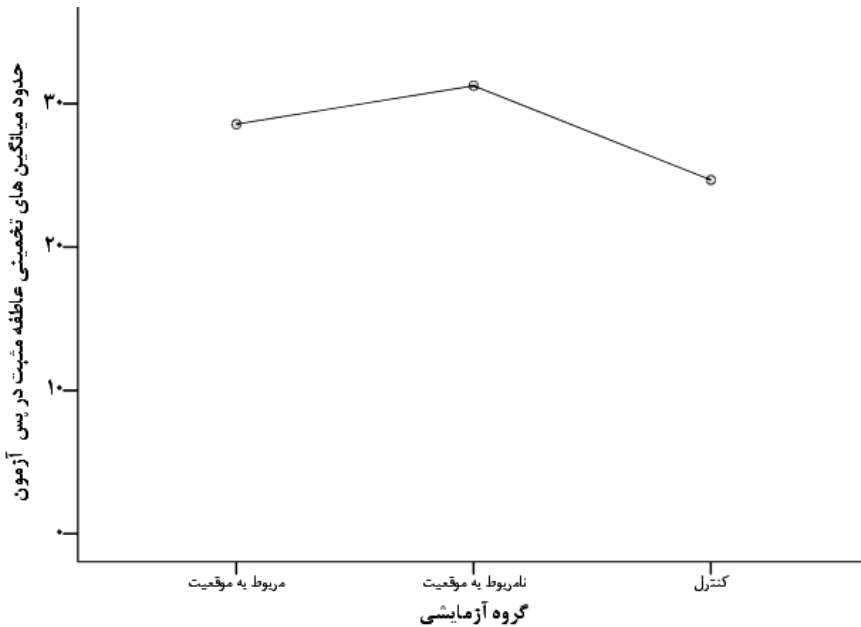
جدول ۱. شاخص‌های توصیفی عاطفه مثبت و منفی بر اساس گروه و مقطع سنجش (N=۶۰)

متغیر	مرحله	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
عاطفه مثبت	پیش آزمون	مربوط به موقعیت	۲۲/۹	۶/۰۵
		نامربوط به موقعیت	۲۱/۷۱	۵/۷۵
		کنترل	۱۹/۵	۵/۷۸
	پس آزمون	مربوط به موقعیت	۲۹/۹	۶/۸۴
		نامربوط به موقعیت	۳۱/۵۵	۸/۹۵
		کنترل	۲۳/۰۵	۸/۸۹
عاطفه منفی	پیش آزمون	مربوط به موقعیت	۲۵/۶۳	۶/۳۶
		نامربوط به موقعیت	۲۴/۸۵	۶/۱۶
		کنترل	۲۸	۷/۸۳
	پس آزمون	مربوط به موقعیت	۱۸/۶۵	۴/۲۹
		نامربوط به موقعیت	۱۷/۴۵	۵/۵۴
		کنترل	۲۱/۲۴	۸/۷۸



نمودار ۱. میانگین‌های تخمینی عاطفه منفی در پس-آزمون

در تحلیل کواریانس عاطفه منفی، نتایج حاکی از اثر معنادار متغیر همگام بر عاطفه منفی در مقطع پس-آزمون ($F(1, 56) = 25/5, P < 0/001, \eta_p^2 = 0/31$) بود. اما اثر عامل بین‌گروهی (رفتار جامعه‌یار) بر عاطفه منفی در مقطع پس-آزمون ($F(2, 56) = 0/75, P = 0/47, \eta_p^2 = 0/026$) معنادار نبود. در واقع با وجود آنکه گروه کنترل از میانگین ($M = 20/26, SEM = 1/2$) بالاتری به نسبت گروه رفتار جامعه‌یار مربوط به موقعیت ($M = 18/93, SEM = 1/2$) و گروه رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت ($M = 18/14, SEM = 1/5$) برخوردار بود، تفاوت معناداری مشاهده نشد. نمودار ۱ میانگین‌های تخمینی عاطفه منفی در مقطع پس-آزمون را در هر یک از گروه‌ها نمایش می‌دهد. (نمودار ۱)



نمودار ۲. میانگین‌های تخمینی عاطفه مثبت در پس-آزمون

در تحلیل کواریانس عاطفه مثبت، نتایج حاکی از اثر معنادار متغیر همگام بر عاطفه مثبت در مقطع پس-آزمون ($F(1, 56) = 34/2, P < 0/001, \eta_p^2 = 0/379$) بود. همچنین اثر عامل بین‌گروهی (رفتار جامعه‌یار) بر عاطفه مثبت در مقطع پس-آزمون ($F(2, 56) = 4/87, P = 0/011, \eta_p^2 = 0/148$) معنادار بود. نمودار ۲ میانگین‌های تخمینی عاطفه مثبت در مقطع پس-آزمون را در هر یک از گروه‌ها نمایش می‌دهد. سپس از آزمون بنفرونی جهت تعیین معناداری آماری مقایسه‌های زوجی بین گروهی استفاده شد. تفاوت بین میانگین نمرات

گروه رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت و گروه کنترل ($P = 0/009$) از لحاظ آماری معنادار بود، و در سایر مقایسه‌ها تفاوت معناداری مشاهده نشد. مقایسه‌های زوجی در جدول ۲ ذکر شده است. (نمودار ۲ و جدول ۲)

جدول ۲. مقایسه زوجی بین گروهی در عاطفه مثبت

متغیر	مقایسه نمرات	تفاوت میانگین	خطای معیار	معناداری
عاطفه	رفتار جامعه‌یار مربوط و نامربوط	-۲/۶۷	۲/۰۹	۰/۶۱
مثبت	رفتار جامعه‌یار مربوط و کنترل	۳/۸۹	۲/۱۴	۰/۳۲
	رفتار جامعه‌یار نامربوط و کنترل	۶/۵۶	۲/۱	۰/۰۰۹

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی یافته‌ها می‌توان اذعان کرد تغییر خلق در اثر انجام رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت، در مقایسه با رفتاری خنثی، متفاوت است. در واقع انجام رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت در مقایسه با رفتار خنثی، افزایش عاطفه مثبت بیشتری را رقم زده است. جهت این تغییرات، همسو با ادبیات پژوهشی است (کنریک و همکاران، ۲۰۰۵). اما بر خلاف انتظار، تغییرات خلق بر اثر انجام رفتار جامعه‌یار مربوط به موقعیت در مقایسه با رفتاری خنثی متفاوت نبوده است.

لازم است معنای عاطفه مثبت و عاطفه منفی در این پژوهش شفاف‌تر شود؛ زیرا در نگاه نخست افزایش عاطفه مثبت و عدم تغییر عاطفه منفی ممکن است متناقض به نظر برسد. در پژوهش‌های فرضیات انگیزشی رفتار جامعه‌یار، خلق غالباً با مقیاس‌های قطبی سنجیده شده؛ بدین معنا که خلق مطلوب یا عاطفه مثبت در یک سر طیف، و عاطفه منفی در سر دیگر طیف و به معنای عدم وجود عاطفه مثبت بوده است (باتسون و ویکس، ۱۹۹۶). در مدل ابعادی پاناس که در روایی و پایایی نسبت به سایر مقیاس‌ها برتری داشته است (واتسون و وایدیا، ۲۰۱۲)، وجود یکی از عواطف مثبت و یا منفی به معنای عدم وجود دیگری نیست. در مطالعه‌ی حاضر، افزایش عاطفه مثبت به معنای افزایش تمایل به فعالیت، اشتیاق و انرژی، و سرحال بودن است. در واقع با انجام رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت، میزان اشتیاق و شادمانی در مقایسه با گروه کنترل افزایش یافته است. از طرفی افزایش عاطفه منفی به معنای افزایش تنش و پریشانی، اضطراب، و عواطف منفی بوده و متضاد آرمدگی است (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). بنابراین انجام‌دهندگان رفتار جامعه‌یار در مقایسه با گروه کنترل، به وضعیت عاطفی آرمیده‌تری نائل نشدند.

فرضیات خودمحور، به خصوص انگیزتگی بر اساس هزینه و پاداش، کاهش انگیزتگی را مکانیزم اصلی بهبود خلق بر اثر انجام رفتارهای جامعه‌یار به حساب می‌آورند؛ اما نتایج حاضر فرض مذکور را تأیید نمی‌کند. علاوه بر این فرضیه تسکین وضعیت منفی نیز تبیین موجهی از عدم توفیق رفتار جامعه‌یار مربوط به موقعیت ارائه نمی‌کند.

با این وجود ثبات عاطفه منفی در چارچوب نوع‌دوستی مبتنی بر همدلی قابل تبیین است. در آزمایش‌های مبتنی بر این فرضیه، از روش‌های دیدگاه‌گیری برای ایجاد سطوح بالای همدلی استفاده شده است، فرآیندی که کسب اطلاعات در خصوص فرد نیازمند و تصور وضعیت او درون‌مایه‌ی اصلی آن است (باتسون، ۲۰۱۱؛ مایبوم^۱، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد هنگامی که سطح همدلی مشاهده‌گر بالاست، میزان توفیق رفتار جامعه‌یار در بهبود وضعیت فرد نیازمند، نقش پررنگ‌تری در تغییرات خلقی انجام‌دهنده‌ی رفتار جامعه‌یار بازی می‌کند (باتسون و ویکس، ۱۹۹۶). با توجه به آنکه همدلی در پژوهش حاضر نیز به وسیله دیدگاه‌گیری القا شد، میزان مؤثر بودن رفتار جامعه‌یار می‌تواند در تغییرات خلق مؤثر باشد. موضوع کمک‌رسانی پژوهش حاضر به صورت جمعی نیازمند کمک مستمر در نظر گرفته شد، بنابراین امکان وجود تفاوت‌هایی در برآورد اثربخشی رفتار جامعه‌یار، در مقایسه با موقعیت‌های کمک‌رسانی فردی، عینی، و اضطراری وجود دارد. کمک‌رسانی به وسیله واسطه (آزمایشگر)، و عدم تغییر شرایط پایدار دریافت‌کنندگان کمک می‌تواند از علل دشوارتر شدن تخمین اثربخشی کمک‌رسانی در پژوهش حاضر باشند. دشواری در تخمین اثربخشی به دلایل مذکور نیز ممکن است زمینه ثبات انگیزتگی و عاطفه منفی را فراهم ساخته باشد.

همچنین ممکن است روش القای دیدگاه‌گیری، مشارکت‌کنندگان را به تصور خود به جای دیگری یا دیدگاه‌گیری دوگانه سوق داده باشد. دیدگاه‌گیری دوگانه و یا تصور خود به جای دیگری، می‌تواند با تنش و عواطف ناخوشایند بیشتری به نسبت تصور وضعیت دیگری همراه باشد (اوکسلی^۲، ۲۰۱۱؛ باتسون، ۲۰۱۱). با توجه به شدت موقعیت برانگیزاننده همدلی و وخامت وضعیت نیازمندان، تنش ایجاد شده به وسیله‌ی تصور خود به جای دیگری ممکن است به قدری شدید باشد که انجام رفتار جامعه‌یار آن را چندان کاهش ندهد، همان‌گونه که در این پژوهش نیز انگیزتگی کاهش نیافته است.

همچنین موقعیت برانگیزاننده همدلی در پژوهش حاضر، به بلایای طبیعی مربوط بوده و می‌تواند باورهایی درباره ناعدالتی و ظالمانه بودن وقایع به همراه داشته باشد (ژی، لیو و گان^۳،

1. Maibum
2. Oxley
3. Xie, Liu & Gan

۲۰۱۱). چنین باورهایی نیز ممکن است در ثبات انگیزختگی حاصل از مشاهده وضعیت فرد نیازمند نقش بازی کنند.

در پژوهش حاضر، غالب مشارکت‌کنندگان (هفتاد و سه درصد) پیش از این آزمایش نیز کمک‌هایی را برای افراد زلزله‌زده ارسال کرده بودند. همچنین توزیع افرادی که تجربه کمک‌رسانی داشته‌اند نیز در گروه‌ها تقریباً به صورت برابر (سه چهارم هر گروه) مشاهده می‌شد. مشاهده وضعیت وخیم زلزله‌زدگان در تصاویر، با وجود آنکه پیش از این کمک‌های زیادی برای آن‌ها جمع‌آوری شده، می‌تواند مؤثر نبودن کمک‌رسانی حال حاضر را بیش از پیش به مشارکت‌کنندگان القا کند. این در حالی است که گروه رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت، تجربه‌ی ناموفقی در کمک‌رسانی به کودکان نیازمند جاده و رامین نداشته‌اند. تأثیر تجارب کمک‌رسانی پیشین در تخمین اثربخشی کمک‌رسانی، می‌تواند عدم تفاوت رفتار جامعه‌یار مربوط به موقعیت و رفتار خنثی در بهبود خلق را توضیح دهد (باتسون و ویکس، ۱۹۹۶).

همچنین در بررسی روایی صوری فیلم پژوهش، گزارشاتی از نارضایتی مشارکت‌کنندگان از توزیع کمک‌های پیشین به زلزله‌زدگان مشاهده شد. به نظر می‌رسد با توجه به آنکه در پژوهش حاضر هم کمک‌رسانی به افراد زلزله‌زده به صورت غیرمستقیم انجام می‌شد، این نارضایتی نیز می‌تواند برآورد اثربخشی کمک‌رسانی به این گروه را کاهش داده، و زمینه‌ساز عدم توفیق رفتار جامعه‌یار مربوط به موقعیت بوده باشد.

توفیق رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت در افزایش عاطفه مثبت در مقایسه با رفتار خنثی، از دیگر یافته‌های قابل توجه این مطالعه است. با وجود آنکه تغییر موقعیت غالباً با کاهش هزینه‌ها و انگیزختگی همراه شمرده شده (زکی، ۲۰۱۴)، در پژوهش حاضر تغییر موقعیت انگیزختگی را کاهش نداده، بلکه با افزایش عاطفه مثبت همراه بوده است. با وجود توفیق رفتار جامعه‌یار نامربوط در افزایش عاطفه مثبت در مقایسه با رفتار خنثی، تفاوتی بین رفتار جامعه‌یار مربوط و نامربوط مشاهده نشد. افزایش عاطفه مثبت به وسیله‌ی انجام رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت، با فرض موضوع‌محور و اختصاصی بودن دغدغه همدلانه چندان سازگار نیست. پس از تجربه همدلی، بهبود وضعیت فرد نیازمند مکانیزم اصلی بهبود خلق فرد کمک‌رسان تصور می‌شود (باتسون، ۲۰۱۱). انجام رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت باعث بهبود وضعیت نیازمندان مشاهده شده نگشته است، اما با بهبود خلق همراه بوده است. این یافته زمینه را برای پژوهش‌های آینده در خصوص ارتباط بهبود وضعیت فرد نیازمند، و بهبود خلق انجام‌دهنده‌ی رفتار جامعه‌یار فراهم می‌سازد. در حال حاضر می‌توان اذعان کرد که رفتار جامعه‌یار نامربوط به موقعیت نیز همانند رفتار جامعه‌یار مربوط به موقعیت باعث بهبود خلق انجام‌دهنده رفتار می‌گردد.

محدودیت‌ها و پیشنهادات

با توجه به احتمال تأثیر برآورد اثربخشی رفتار جامعه‌یار در بهبود خلق، پیشنهاد می‌شود این متغیر در پژوهش‌های آتی کنترل گردد. استفاده از فرم‌های موازی سنجش خلق، می‌تواند از ملالت احتمالی پر کردن مجدد فرمی مشابه بکاهد. موضوع همدلی این پژوهش، جمعی نیازمند کمک مستمر در نظر گرفته شد. با توجه به نتایج مربوط به ثبات انگیزتگی، پژوهش‌های مشابه می‌توانند با استفاده از موقعیت‌های فردی و اضطراری تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش حاضر را آزمون کنند. در آزمایش حاضر، تغییر موقعیت به صورت مداخله‌ای جبری انجام شد. ممکن است تغییر موقعیت بر اساس انگیزه‌ی درونی مشاهده‌گر، تأثیرات خلقی متفاوتی به نسبت مداخله جبری به جای بگذارد؛ از این رو پژوهش‌های آینده می‌توانند تأثیر تغییر موقعیت خودانگیخته را نیز ارزیابی نمایند.

منابع

- آقایوسفی، علیرضا؛ مصطفائی، علی؛ زارع، حسین و ایمانی فر، حمیدرضا. (۱۳۹۴). رابطه رفتار جامعه‌پسندی و گرایش‌های مطلوب اجتماعی در زنان با پنج عامل شخصیتی کاستا و مک‌کری. فصل‌نامه زن و جامعه، ۶(۲)، ۶۷-۸۴.
- بخشی‌پور، عباس و دژکام، محمود (۱۳۸۴). تحلیل عاملی تأییدی مقیاس عاطفه مثبت و منفی. روانشناسی، ۳۶(۴)، ۳۶۵-۳۵۱.
- ترکمن ملایری، مهدی و شیخ‌الاسلامی، راضیه. (۱۳۹۶). تبیین علی رفتار جامعه‌پسند نوجوانان بر اساس فلسفه فراهیجانی مادر و هیجان‌ات اخلاقی. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۷(۲۸)، ۱-۲۲.
- صفاری‌نیا، مجید؛ آقایوسفی، علیرضا و ایمانی فر، حمیدرضا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی‌کننده‌های شخصیتی و خلقی جامعه‌پسندی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۵(۲)، ۲۷۲-۲۵۵.
- رجبی، غلامرضا. (۱۳۸۴). ویژگی‌های روان‌سنجی ماده‌های فرم کوتاه پرسشنامه افسردگی بک. فصل‌نامه روان‌شناسان ایرانی، ۱(۴).
- نظام، حمیدرضا و رضایی، سعید. (۱۳۹۷). طراحی برنامه مهارت‌های همدلی مبتنی بر شناخت اجتماعی و بررسی اثربخشی آن بر رفتار جامعه‌پسند کارکنان خدمات فرودگاهی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، شماره ۲۹، ۱۳۱-۱۱۷.

- Akinin, L. B., Van de Vondervoort, J. W., & Hamlin, J. K. . (2018). Positive feelings reward and promote prosocial behavior. *Current opinion in psychology*, 20, 55-59.
- Batson, C. D. (2011). *Altruism in humans*. Oxford University Press, USA.
- Batson, C. D., & Weeks, J. L. (1996). Mood effects of unsuccessful helping: Another test of the empathy-altruism hypothesis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22(2), 148-157.
- Batson, C. D., Ahmad, N., & Stocks, E. L. (2011). Four forms of prosocial motivation: Egoism, altruism, collectivism, and principlism. In D. Dunning, *Social motivation* (pp. 104-116). Psychology Press.
- Batson, C. D., Lishner, D. A., & Stocks, E. L. (2015). The Empathy-Altruism Hypothesis. In *The Oxford handbook of prosocial behavior* (pp. 259-268).
- Bekkers, R., & Wiepking, P. (2011). Who gives? A literature review of predictors of charitable giving part one: religion, education, age and socialisation. *Voluntary Sector Review*, 2(3), 337-365.
- Cameron, C. D., Harris, L. T., & Payne, B. K. (2016). The emotional cost of humanity: anticipated exhaustion motivates dehumanization of stigmatized targets. *Social Psychological and Personality Science*, 7(2), 105-112.
- Cameron, D., Hutcherson, C., Ferguson, A., Scheffer, J., Hadjiandreou, E., & Inzlicht, M. (2017). Empathy is hard work: People choose to avoid empathy because of its cognitive costs.
- Christov-Moore, L., Simpson, E. A., Coudé, G., Grigaityte, K., Iacoboni, M., & Ferrari, P. F. (2014). Empathy: Gender effects in brain and behavior. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 46, 604-627.
- Eisenberg, N., Cumberland, A., Guthrie, I. K., Murphy, B. C., & Shepard, S. A. (2005). Age changes in prosocial responding and moral reasoning in adolescence and early adulthood. *Journal of research on adolescence* , 15(3), 235-260.
- Glomb, T. M., Bhave, D. P., Miner, A. G., & Wall, M. (2011). Doing good, feeling good: Examining the role of organizational citizenship behaviors in changing mood. *Personnel Psychology*, 64(1), 191-223.
- Hodges, S. D., & Biswas-Diener, R. (2007). Balancing the empathy expense account: Strategies for regulating empathic response. *Empathy in mental illness*, 389-407.

- Hodges, S. D., & Klein, K. J. (2001). Regulating the costs of empathy: the price of being human. *The Journal of socio-economics*, 30(5), 437-452.
- Hoffman, M. L. (2000). *Empathy and moral development: Implications for caring and justice*. Cambridge University Press.
- Kenrick, D. T., Neuberg, S. L., & Cialdini, R. B. (2005). *Social psychology: Unraveling the mystery*. Boston: Pearson.
- Maibom, H. L. (2014). *Empathy and morality* (pp. 20). Oxford University Press (UK).
- Matsumoto, Y., Yamagishi, T., Li, Y., & Kiyonari, T. (2016). Prosocial behavior increases with age across five economic games. *PLoS one*, 11(7), e0158671.
- Oxley, J. (2011). The moral dimensions of empathy: Limits and applications in ethical theory and practice, (pp. 18). Springer.
- Penner, L. A., Dovidio, J. F., Piliavin, J. A., & Schroeder, D. A. . (2005). Prosocial behavior: Multilevel perspectives. *Annu. Rev. Psychol.* , 56, 365-392.
- Rothbart, M. K. (2007). Temperament, development, and personality. *Current directions in psychological science*, 16(4), 207-212.
- Schroeder, D. A., & Graziano, W. G. (Eds.). (2015). *Oxford handbook of prosocial behavior*. Oxford Library of Psychology.
- Stocks, E. L., Lishner, D. A., & Decker, S. K. (2009). Altruism or psychological escape: Why does empathy promote prosocial behavior. *European Journal of Social Psychology*, 39(5), 649-665.
- Stürmer, S., & Snyder, M. (Eds.) . (2009). *The psychology of prosocial behavior: Group processes, intergroup relations, and helping*, (pp.36-37). John Wiley & Sons, p.
- Watson, D., & Vaidya, J. (2012). Mood measurement: Current status and future directions. In *Handbook of psychology*, (pp. 349-375).
- Watson, D., Clark, L. A., & Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: the PANAS scales. *Journal of personality and social psychology*, 54(6), 1063.
- Xie, X., Liu, H., & Gan, Y. (2011). Belief in a just world when encountering the 5/12 Wenchuan earthquake. *Environment and Behavior*, 43(4), 566-586.
- Zaki, J. (2014). Empathy: a motivated account. *Psychological bulletin*, 140(6), 1608.

پیوست

- اطلاعات مربوط به بخش روش و یافته‌ها از طریق لینک زیر قابل مشاهده است:
- https://osf.io/q4p5b/?view_only=bdbda4da9c814614ab434f127d6d170d